

تدریس ادبیات فارسی در دبیرستان

بررسی يك كتاب درسی

احمد احمدی بیرجندی

پیش از ورود در اصل مطلب؛ باید دید هدف از آموزش ادبیات، یا به نحو اخص (درس فارسی) در سالهای اول تحصیل چیست؟

شکی نیست که در سالهای آغازین تحصیل در دبستان، که دنباله کودکیست و آغوش پر مهر مادر است، هدف تنها زبان آموزی است؛ گفتن، خواندن، نوشتن. سپس به تدریج که زبان کودک به گفتن کلمات تازه بازر و توانا تر می شود و بر بیان و خواندن و نوشتن مطالب ساده تسلط می یابد و گنجینه لغات ذهنی اش افزونی می پذیرد و در حقیقت از سالهای آخر دبستان (سوم، چهارم و پنجم) باید کم کم به زیباییهای کلام و کلمات زیبا و اندیشه های لطیف و شیوه های هنرمندانه (= ادبیات) آشنا شود، تا خلوت سخنان زیبا و موزون ادبی را در مذاق جانس حس کند و ذوق زیبایی شناسی اش پرورش یابد. از اینجا است که ادبیات، برای کودک و نوجوان، کم کم مطرح می شود و در این مرحله است که به راستی از شنیدن اشعار موزون و کلمات آهنگین و نکات دقیق و رقیق لذت می برد و با ادب زبان مادری انس می گیرد. هنگامی که نواآموز به دوره راهنمایی می رسد، ادبیات برایش جدی تر مطرح می گردد و کم کم صورت گسترده تری پیدا می کند. در این سالها با نمونه های نثر و نظم و شعر نویسندگان و شاعران قدیم و جدید و برخی از آثار اهل ادب و دستور زبان روبرو می شود. نواآموز در این مرحله، باید با آثار ذوقی و هنری شاعران و نویسندگان معاصر و گذشته آشنا گردد و ارج و ارزش آثار ادبی گذشته و معاصر را دریابد و نه تنها از جهت الفاظ و قوالب سخن، بلکه از جهت فکر و ایدئولوژی و مکتب عقیدتی و مسایل زندگی،

۳۲. شعر معاصر عرب، ص ۱۱۳.

۳۳. همان، ص ۱۱۷.

۳۴. الطهرانی، آقابزرگ، الذریعة الی تصانیف الشیخه، جلد نهم، بخش اول، ص ۹۶.

۳۵. با عنایت به نام کتاب بدعت ها و بدایع نمایوشیخ به قلم شاعر معاصر، مهدی اخوان ثالث (م. امید)، انتشارات توکا، (تهران ۱۳۵۷).

۳۶. ch. baudelaire (۱۸۶۷ - ۱۸۲۱) شاعر مشهور فرانسوی که در شعر پس از خود تأثیر قابل ملاحظه ای بر جای گذاشت.

۳۷. تموز، در نظر ساکنین بین النهرین خدای سرسبزی و شادابی و چیزی معادل ادونیس Adonis در نزد فنیقی ها می باشد.

۳۸. *The Waste Land* این منظومه به همراه اشعار دیگری از الیوت، تحت عنوان دشت سترون و اشعار دیگر، توسط پرویز لشکری به فارسی ترجمه شده، (تهران ۱۳۵۱)، انتشارات نیل.

۳۹. *The Golden Bough*، یکی از معروفترین آثار غربی در زمینه مردم شناسی و اساطیر، و دریایی از اطلاعات در باره میتولوژی مقایسه ای، در ادبیات غرب.

۴۰. شعر معاصر عرب، ص ۱۴۴.

۴۱. همان کتاب، ص ۱۵۱.

۴۲. رك: عبدالعزیز شرف، «عبدالوهاب الیاتی، اشاره ای کوتاه به زندگی و آثارش»، شعرهای تبعید و چشمان سگان مرده، ترجمه عدنان غریفی، انتشارات رواق، (تهران ۱۳۵۷)، ص ۱۱.

۴۳. با اقتباس از عنوان شعری از خود او، رك: شعرهای تبعید، ص ۵۸.

۴۴. همین مشابهاً، دکتر جلیل کمال الدین، منتقد معاصر عرب را به تألیف دو اثر به نامهای: المبتنی و الیاتی و ناظم حکمت، راهنمون شده است.

۴۵. با توجه به عنوان کتاب، مأساة الانسان المعاصر فی شعر عبدالوهاب الیاتی، (قاهره ۱۹۶۶).

۴۶. شعر معاصر عرب، ص ۱۶۲.

۴۷. همان کتاب، ص ۱۷۳.

۴۸. همان کتاب، ص ۱۷۰.

۴۹. بیروت ۱۹۶۵، این کتاب توسط محمد باقر معین الفربانی با نام: سوگنامه حلاج به فارسی ترجمه شده است، امیر کبیر، (تهران ۱۳۵۷).

۵۰. حیاتی فی الشعر، ص ۹۷.

۵۱. اورفه Orphee، در اساطیر یونانی نام شاعری است مخترع چنگ که به نیروی شعر خود حیوانات و گیاهان و حتی جمادات را مسحور می کند. تعبیر «اورفه سیاه» عنوان مطلبی است که ژان پل سارتر به عنوان مقدمه بر شعر سیاهپوستان، نوشته است. این مطلب در کتابی مستقل به همین نام توسط مصطفی رحیمی به فارسی ترجمه و بارها تجدید طبع شده است. انتشارات رز، (تهران ۱۳۵۱).

۵۲. دیر یاسین: دهکده ای در کنار غربی اورشلیم که ۲۵۴ نفر ساکنین عرب آن در نهم آوریل ۱۹۴۸ توسط تروریست های یهودی بطرز فجیعی قتل عام شدند.

۵۳. کفر قاسم: دهکده ای عرب نشین در فلسطین علیا که در ماه اکتبر ۱۹۵۶ بیش از پنجاه روستایی بیرو جوان و کودک آن به وسیله اشغالگران صهیونیست قتل عام شدند، نه سال بعد (۱۹۶۵) عده ای از جوانان فلسطینی گروهی بزرگ تشکیل دادند و رفتند تا یاد شهیدان را گرامی بدارند. لیکن نظامیان اشغالگر راه بر آنها بستند که جوانان با خواندن اشعاری از سمیع القاسم و عصام العباسی درباره شهیدان کفر قاسم، با متجاوزین درگیر شدند. در پایان روز دهها کشته و مجروح در سالروز حادثه کفر قاسم بر جای مانده بود.

۵۴. قران مجید، بخشی از آیه ۲۶ سورة المطففین.

۵۵. شعر معاصر عرب، ص ۲۱۱.

۵۶. غسان کفانی، ادب المقاومة فی فلسطین المحتلة، (بیروت؟)، ص ۲۲.

فهنش پر بار و فکرش روشن شود تا مسیر فکری و ذوقی خود را به تدریج اما با استواری و متانت و رزانت برگزیند. البته شعبه‌های دیگر ادبی از قبیل دستور زبان، انشاء و نگارش، هر کدام به این راهسپری در خط صحیح و آمادگی بیشتر، مدد خواهند رساند. خوشبختانه، کتابهای درسی دوره راهنمایی، تا جایی که مرور کرده‌ام، علی‌العموم، و کتابهای فارسی، علی‌الخصوص، از لحاظ محتوا و لفظ بالنسبه پسندیده است و اکنون که سخن از کتابهای فارسی دوره راهنمایی، بخصوص کتاب فارسی اول راهنمایی است، تذکار نکته‌ای را درباره شیوه تنظیم مطالب کتابهای فارسی دبستانی، راهنمایی و دبیرستانی ضروری می‌دانم.

تا جایی که به یاد دارم، از سالهای تحصیلی ۱۳۱۶ و ۱۳۱۷ شمسی در کلاسهای دبستانی و دبیرستانی، کتابهای فارسی به صورت قطعات منتخبه و فرآید الادب و منتخبات آثار و از سال ۱۳۱۹ شمسی که مصادف با وزارت مرحوم اسمعیل مرآت بود، کتابهای قرآنی و فارسی به شیوه «جنگ ادبی» یا به اصطلاح قدیمتر «قطعات منتخبه» معمول شده بود و این شیوه، هنوز که هنوز است، به همان سبک و روال تنظیم می‌شود. گزینش قطعات ادبی نثر و نظم بستگی داشت و دارد به سلیقه و ذوق گزیننا قطعات. استادان دانشمند و مؤلفان این قبیل کتابها می‌خواستند و هم اکنون نیز می‌خواهند که دانش آموزان با نمونه‌های نظم و نثر استادان ادب گذشته این سامان آشنا شوند. البته در کتابهای قدیم بیشتر از سخنوران گذشته بحث می‌شد و از آثار آنها انتخاب می‌گردید و در سالهای اخیر ادبیات معاصر - شعر و نثر نو - نیز به کتابهای فارسی راه پیدا کرد که تنظیم کنندگان آنها، خود یا شاعر نو پرداز و یا نثر نویس به شیوه نو بودند و یا، حداقل، طرفدار این قبیل آثار. اما بحث بر سر این است که آیا این شیوه - گزینش قطعات متنوع نثر و شعر و در کنار هم نهادن آنها - بی‌آنکه نظم منطقی یا زمانی و یا کیفی و کمی بر آنها حاکم باشد، بهترین شیوه است؟ و یا این نظم بهترین نظم ممکن است؟

می‌بینیم که دانش آموز در صفحه اول کتاب با شعر سعدی، دو صفحه بعد با نثر کلیله و دمنه بهرامشاهی، و در سه صفحه بعد با شعر فردوسی و بعد با نثر سعید نفیسی و سپس با شعر نو حسن رزمجو و باز با نثر سعدی (گلستان) و قس علی هذا... روبرو می‌شود. مانند پروانه از این گل بر آن گل می‌نشیند و از هر کدام عصاره‌ای می‌مکد و می‌چشد و ظاهراً لذت می‌برد، ولی آیا با این شیوه با سبکی خاص آشنا می‌شود؟ از نظر بنده جواب منفی است. من معتقدم باید دانش آموزان را از سالهای چهارم و پنجم دبستان و

دوره راهنمایی و بعد دبیرستانی، ابتدا با نثر ساده معاصر و نیز شعر موزون و ساده معاصر و کم کم با ادبیات دوره مشروطیت و بعد دوره‌های قاجاریه و زندیه و صفویه و مغول و خوارزمشاهیان و همین طور با ادبیات سلجوقی و غزنوی و سامانی آشنا کرد و آثار ادبی هر دوره را در بخشی از سال تحصیلی - با عرضه کردن آنها به دانش آموزان در کلاس درس تا جایی که وقت و مجال اجازه می‌دهد - شناساند. شك نیست اگر کتابهای فارسی بدین شیوه تنظیم شود، دانش آموزان عملاً با سبکهای هر دوره و خصوصیات ادبی و اجتماعی آن به تدریج آشنا خواهند شد. و اما کتاب فارسی کلاس اول راهنمایی که هم اکنون مورد نقد و بررسی است، به طور کلی از لحاظ قطعات گزیده شده و محتوای مطالب بالنسبه خوب است و از بدآموزیهایی که گاه گاه در آثار ادبی ما وجود دارد برکنار است. بخصوص در قطعات: نیکی (صفحه ۸)، آینده (صفحه ۲۰)، نیایش (صفحه ۲۶)، شجاعت (صفحه ۲۸)، مرگ ناخدا (صفحه ۴۲)، مردی از نوادر روزگار (صفحه ۶۵)، تعاون و همکاری (صفحات ۷۸ و ۸۲) بخواه - یادبگیر - امتحان کن (صفحه ۸۹)، آزادی (صفحه ۱۰۵)، شبی که محمد (ص) به پیامبری برگزیده شد (صفحه ۱۱۴)، همکاری مردم سبب پیشرفت کار جهان است (صفحه ۱۳۱)، نماز جماعت (صفحه ۱۴۰)، لحظه‌هایی که به تاریخ ارزش می‌دهند (صفحه ۱۵۹)، قائد بیباک (صفحه ۱۶۲)، جمعه (صفحه ۱۶۵)، و برخی قطعات دیگر که در درجه دوم اند. اینک مواردی که نیاز به بازنگری دارد:

۱) در صفحه ۳ کتاب فارسی سال اول راهنمایی، مؤلفان کتاب تحت عنوان «بیاموزیم» مسائلی مربوط به درس نگارش و طرح انشاء آورده اند که بسیار لازم است - گرچه کافی نیست - ولی برای نمونه، در همین صفحه، طرح مقاله‌ای درباره زندگی ابوعلی سینا را به دست داده اند. پیداست که در دوره راهنمایی هنوز مقاله نویسی، برای دانش آموزی که تازه با انشاء نویسی آشنا شده است، مطرح نیست و نباید چنین توقعی از دانش آموز در این مقطع تحصیلی داشت. بهتر بود مؤلفان از موضوعهای ساده مانند موضوع انشایی که در پایان صفحه ۴ تحت عنوان «خاطرات تابستان گذشته خود را شرح دهید» آغاز می‌کردند که هم مناسب است و هم متناسب با پایان تعطیلات تابستانی و آغاز سال تحصیلی. سپس این طرح را باز و گسترده عرضه می‌کردند، تا هم نمونه به دست داده شود و هم دانش آموزان راهنمایی شوند و هم گامی باشد در نوشتن و نگارش انشاء. مقاله نویسی مربوط است به سالهای آخر دبیرستان و سالهای دانشکده، بالأخص مقاله

تحقیقی.

(۲) در نقل قطعات شعر و نثر قدیم و جدید باید مؤلفان محترم به آخرین و مطمئن ترین مأخذ موجود رجوع کنند. نمونه را، ابیاتی که از بوستان سعدی در صفحه ۵ کتاب اول راهنمایی نقل شده است می آورم که باید در آن بازبینی به عمل آید.

قطعه دارای این عنوان است:

خَنک آنکه آسایش مرد و زن گزیند بر آسایش خویشتن
که عنوان بدین صورت مناسب نیست؛ به هر حال در سطر سوم این قطعه آمده است:

به شب گفتی آن جرم گیتی فروز دری بود از روشنایی روز
و حال آنکه این بیت در بوستان مصحح استاد دکتر غلامحسین یوسفی بدین صورت آمده است:

به شب گفتی از جرم گیتی فروز

دری بود در روشنایی چو روز
و پنداست که وجه اخیر معنای روشنتر و محصلتری دارد. یا بیت اول همین مثنوی که به صورت عنوان در بالای صفحه نگاشته شده:

خَنک آنکه آسایش مرد و زن گزیند بر آسایش خویشتن
که روشن است به تناسب انگشتی و نگین گرانهای آن در وجهی که آقای دکتر یوسفی در بوستان مصحح خود اختیار کرده اند رجحانی وجود دارد و آن وجه چنین است:

خَنک آنکه آسایش مرد و زن گزیند بر آرایش خویشتن
و به طور کلی پیشنهاد می کنم، مؤلفان محترم در ذیل هر قطعه مأخذ و چاپ آن را نقل فرمایند تا همین عمل باعث تحریک کنجکاوای دانش آموزان شود و درباره تصحیح متن های ادبی اطلاعاتی کسب کنند. ما امروز به لطف خداوند و همت دانشمندان کوشا از اکثر آثار ادبی خود متنهای مصححی در دست داریم. چرا باید مؤلفان محترم حتی در نقل متنی از کلیله و دمنه بهرامشاهی و یا دیوان ناصر خسرو قبادیانی اولاً نظری به متن کلیله به تصحیح مجتبی مینوی و یا دیوان مصحح مجتبی مینوی و دکتر محقق نکنند؟! (۳)

در صفحه ۱۱ کتاب اول راهنمایی، تحت عنوان «بیاموزیم»، مطالبی درباره استفاده از کتاب و کتابخانه آمده است که بسیار مفید است (بخصوص اگر این آشنایی به صورت گردش علمی در کتابخانه های شهر و زیر نظر معلم انجام گیرد). سپس در صفحه ۱۲ این بحث دنبال شده و درباره فهرست مندرجات کتاب بحث شده و چنین آمده است: «... مثلاً فهرست مندرجات کتاب فارسی سال اول راهنمایی تحصیلی که در اول آن قرار دارد» در صورتی که در چاپ ۱۳۶۰ شمسی در اول کتاب فارسی سال اول

چنین فهرستی نیامده است و در آخر کتاب هم.

(۴) در صفحه ۴۶ قطعه ای از نوشته های استاد فقید سعید نفیسی تحت عنوان «آشیان خراب» آمده است که در حد خود و از جهت پرورش عاطفی نوآموزان بسیار زیبا و آموزنده است. اما چون این قطعه - با تصرف و تلخیص - از کتاب ستارگان سیاه نویسنده مذکور نقل شده است، ناگزیر در آن تغییراتی داده شده است. به نظر من همان تلخیص که در بعضی موارد، به ضرورت حجم کتاب و رعایت وقت لازم می نماید، کافی است. اما تصرف در کار نویسنده یا شاعر جایز به نظر نمی رسد، مگر حذف کلمات رکیک و مستهجن و نامناسب (اگر چنین موردی باشد) با کلاس درس، زیرا این تصرفات گاه موجب پدید آمدن اختلافات ناهنجار و تناقض می شود. مثلاً در صفحه ۵۱ در پرسش هشتم سؤال شده است: «رجب چرا وقتی که به کنار جویبار رسید توقف کرد؟» در صورتی که در متن درس اسمی از رجب نیامده است! (از رجب در متن اصلی یاد شده است) این امر و نظایر آن، ناشی از همان تصرفهای بیجاست. برخی از صاحب نظران را عقیده بر این است که کارها یا شاهکارهای هنری را به هیچ وجه نمی توان ملخص کرد چه رسد به تصرف. به هر حال باید در این کار تأمل بیشتری کرد.

(۵) یکی از کارهای ضروری، معرفی اجمالی شاعران و نویسندگانی است که آثارشان در کتابهای درسی جای جای می آید. فی المثل در ذیل همین قطعه «آشیان خراب» در صفحه ۵۱ بسیار بجا بود معرفی اجمالی از شادروان سعید نفیسی و برخی از آثار منشور که برای نوجوانان مناسب است، ذکر می شد. مع التأسف در ذیل بعضی از قطعات شعر و نثر، حتی گوینده شعر یا نویسنده کتابی که از آن مطلبی نقل شده است، معرفی نگردیده و بدین صورت قطعه ای بی هویت به دست داده شده است. چنانکه در صفحه ۱۶۲ همین کتاب اول راهنمایی، شعر بسیار خوب «قائد بیباک» آمده است، اما در ذیل آن چنین نوشته اند: «نقل از کتاب تفسیر آفتاب» آن هم (با تلخیص و اندکی تصرف). لازم بود نویسنده پرکار و دانشمند کتاب تفسیر آفتاب (آقای محمد رضا حکیمی) را معرفی می نمودند و حتی از دیگر آثارشان مانند سرود جهشها، دانش مسلمین و چندین کتاب دیگر این نویسنده، که خواندن همه یا دست کم برخی از آنها برای نوجوانان و جوانان ما از اوجب واجبات است، یاد می کردند.

آخرین مطلب پیشنهادی بنده در مورد بخش «کلمه ها و ترکیبهای تازه» است که در ذیل هر درس آمده است و نیز در کتابهای دیگر و کلاسهای دیگر. به نظر من، خوب است مؤلفان محترم از دادن معادلهها و معانی لغات در همه درسها اجتناب کنند و دست کم برخی از لغات و یافتن معانی آنها را به عنوان تکلیف به عهده نوآموزان بگذارند تا بچه ها خیلی پخته خوار و تبیل بار

و به یاری خدا این مسائل حل خواهد شد. ان شاء الله.

نیابند. شایسته است که هم مؤلفان و هم معلمان، کتابهای لغت مناسب را مانند: فرهنگ معین، فرهنگ نفیسی (ناظم الاطباء) و نظایر آنها را به کلاس بیاورند و و روش یافتن معانی لغات را به آنها بیاموزند و انجام دادن کارهای بعدی را از آنها بخواهند، زیرا یافتن معانی لغات هم خود هنری است آموختنی. به امید بازبینی و بازنگری کتابهای فارسی و کتابهایی که به این بازنگری نیاز دارند که البته کاری است مهم و در عین حال پر خرج و پر زحمت. با حسن نیتی که در مؤلفان محترم است به یقین

کتابشناسی

کتابشناسی پزشکی و علوم وابسته (بخش سوم)

دکتر لطف الله یارمحمدی
محمود فلکی

یادآوری: بخشهای اول و دوم این کتابشناسی در شماره های ۴ و ۶۵ از سال اول نشر دانش چاپ شده است و با چاپ این بخش، کتابشناسی پزشکی و علوم وابسته خاتمه می پذیرد.

داخلی (۲)

- ۲۵۸- _____ بیماریهای گوش. (تهران) دانشگاه تهران. ۱۳۴۵.
- ۲۵۹- عمیدی، سیما. چگونگی باردار شدن و راههای جلوگیری آن. (شیراز) دانشگاه شیراز. ۱۳۵۴.
- ۲۶۰- غربی، محمدعلی. درمان شناسی. ج ۱. تهران [بی نا]. ۱۳۳۳.
- ۲۶۱- فامیلی، حسن. تشخیص افتراقی و بالینی بیماریهای داخلی. مشهد [بی نا]. ۱۳۳۴.
- ۲۶۲- فرخ، جهانگیر. روانپزشکی: روانشناسی مرضی و مکانیسمهای دماغی. ج ۱. (مشهد) دانشگاه مشهد. ۱۳۳۸.
- ۲۶۳- _____ روانپزشکی: بیماریهای روانی معلول جسمی. ج ۱. (مشهد) دانشگاه مشهد. ۱۳۳۸.
- ۲۶۴- _____ روانپزشکی مرضی. ج ۳. (مشهد) دانشگاه مشهد. ۱۳۳۸.
- ۲۶۵- فردوس، ژینوس. دندانپزشکی عملی. تهران [بی نا]. ۱۳۴۵.
- ۲۶۶- فرزاد، مرتضی. بیماری جزام. ج ۲. تهران [بی نا]. ۱۳۴۴.
- ۲۶۷- فرزین، فریدون. ضایعات بافت پوششی دهان. (تهران) دانشگاه تهران. ۱۳۴۱.
- ۲۶۸- فرهی، فتح الله. تراخمی و معالجه آن. تهران [بی نا]. ۱۳۱۶.
- ۲۶۹- فقیه، محمدعلی. مالاریا شناسی و ریشه کتی مالاریا. (تهران) دانشگاه تهران. ۱۳۴۸.
- ۲۷۰- فلسفی، احمد. ازدیاد فشار ورید باب. (تهران) دانشگاه تهران. ۱۳۴۵.
- ۲۷۱- فلسون، ب. [و] ر. س. ویناشتین [و] ه. اشتیس. اصول تشخیص بیماریهای نوراکس از طریق رادیوگرافی. ترجمه محمد علی چکشیان. (تبریز) دانشگاه تبریز [بی نا].
- ۲۷۲- فیلیپین. طب عمومی و تجربی. ترجمه حریری [و] خاتمی.

- ۲۵۱- عطائی، احمد. درمان شناسی و فارماکودینامی. ج ۲. (تهران) دانشگاه تهران. ۱۳۲۸.
- ۲۵۲- _____ فارماکودینامی. (تهران) دانشگاه تهران. ۱۳۳۹.
- ۲۵۳- _____ فارماکولوژی عمومی. (تهران) دانشگاه تهران. ۱۳۳۹.
- ۲۵۴- _____ فیزیولوژی مرضی. ج ۱. [بی جا، بی نا].
- ۲۵۵- علی بن عباس مجوسی اهوازی ارجانی. اثین پزشکی (فیه نامه اهوازی). به تصحیح محمود نجم آبادی. (تهران) دانشگاه تهران. ۱۳۳۴.
- ۲۵۶- علیم مروستی، غلامحسین. امراض حلق و بینی و حنجره. ج. تهران [بی نا]. ۱۳۳۰.
- ۲۵۷- _____ اندازه گیری شنوایی و فواید آن. (تهران) دانشگاه تهران. ۱۳۴۰.